

خسرو دهلوی

بررسی‌های دقیقی که اخیراً درباره تمدن آریاییان هندی و آریاییان ایرانی شده است به این جا رسیده که در آغاز هزاره پنجم پیش از میلاد مسیح در هفت هزار سال پیش پایه تمدن خود را گذاشته‌اند و از یک نژاد بوده‌اند. پیش از آن در سرزمین پامیر می‌زیسته‌اند و در نتیجه انقلابی که در سطح زمین روی داده و تغییری که در آب و هوا پیش آمده است ناچار از سرزمین اصلی خود که دیگر زیستن در آن جا دشوار بوده است به دامنه‌های جنوبی و غربی پامیر در آسیای مرکزی فرود آمده‌اند و پس از آن که قرن‌ها با یکدیگر می‌زیسته‌اند همین که بر شماره ایشان افزوده شده است به نواحی معتدل جنوب فرود آمده‌اند و تدریجاً هند و ایران را به خود اختصاص داده، از یک سو به کرانه اوقیانوس هند و از سوی دیگر به کرانه خلیج فارس رسیده‌اند.

در روزهای نخستین زبان و معتقدات این دو گروه بزرگ مشترک بوده و کم‌کم تحولی پیش آمده اما در تمام مدت اساس آن تغییر نکرده است. داستان‌های ملی آریاییان هندی در ریگ ودا و آریاییان ایرانی در اوستا بهترین دلیل این خویشاوندیست و حتی این عقیده را پدید می‌آورد که در زمان‌های پیش از تاریخ این دو گروه حکومت مشترکی داشته‌اند.

در سراسر ادوار تاریخی چه پیش از اسلام و چه بعد از اسلام هندوان و ایرانیان نزدیک‌ترین روابط را با یکدیگر داشته‌اند و هرگز خللی در آن راه نیافته است. اکنون تاریخ ادبیات و نظم و نثر فارسی در میان هند و ایران مشترکست و به همان اندازه که در این هزار سال گذشته نویسنده و سراینده زبان دری در ایران بوده در هندوستان نیز زیسته‌اند.

نخستین اطلاعاتی که در این زمینه به ما رسیده است از پایان قرن چهارم هجریست که غزنویانی به کشورهای برخاسته و به هند رفته‌اند و طوایف مختلف نژاد ایرانی یا ترکانی که از ایران رفته‌اند در هند سلسله‌های متعدد تشکیل داده‌اند. تا روزی که سراسر هندوستان مستعمره انگلستان شده تمدن ایران چنان در هند رواج داشته که زبان فارسی پس از ایران در شبه قاره هند بیش از هر زبان

دیگری رایج بوده و زبان درباری همه خاندان‌های شاهی هندوستان شده است.

از آغاز قرن ششم مردم هندوستان چنان به زبان فارسی خو گرفته‌اند که در هر دوره چند نویسنده و شاعر بزرگ در هندوستان زیسته و آثاری پدید آورده‌اند.

شکی نیست که بزرگ‌ترین شاعر هند خسرو دهلویست که وی را سعدی هندوستان لقب داده‌اند. خسرو معاصر پنج تن از پادشاهان دهلی بوده که نخستین ایشان معزالدین کیقباد و آخرینشان را سلطان محمدبن تغلق باید دانست.

کلمه تغلق به ضم تا و سکون غین و ضم لام و سکون قاف نام موسس سلسله تغلقی در هندست که غیاث‌الدین تغلق نام داشته و او از نژاد «قرونیه» بوده است و این اصطلاح را در هند درباره کسانی به کار برده‌اند که پدرشان از نژاد ترک و مادرشان از نژاد هندو بوده‌اند.

مبارک آخرین پادشاه سلسله خلجی دهلی به دست خسرو نام غلام خود کشته شد و تغلق که در مرزهای شمال غربی هند ماموریت داشت و چندین بار در برابر تاخت و تاز مغلان ایستادگی کرده بود و به همین جهت او را غازی ملک لقب داده بودند به خونخواهی مبارک به دهلی تاخت و در بیرون شهر خسرو را شکست داد و در ۳ شعبان ۷۲۰ در دهلی به تخت نشست و سلسله تغلقی را تاسیس کرد.

در آغاز سال ۷۲۵ که غیاث‌الدین تغلق از لشکرکشی که بینگاله کرده بود باز می‌گشت پسرش غیاث‌الدین محمد که به استقبال او رفته بود در زیر چادری از وی پذیرایی کرد و توطئه کرده بود که چادر بی مقدمه بر سر پدرش بیفتد و بدین وسیله او را کشت و خود به تخت نشست.

محمد که از پسران غیاث‌الدین بیش از همه کار آمد بود در زمان پدر که حکمرانی دکن را داشت یک بار سرکشی کرده بود و هواخواهان بسیار در دربار داشت و یکی از بزرگترین پادشاهان مسلمان هند به شمار می‌رود، اما گاهی اختلال مشاعر داشت. وی سراسر هند را متصرف شد اما به واسطه سخت‌گیری‌هایش زیردستانش طغیان کرده بودند و در ۲۱ محرم ۷۵۲ که برای سرکوبی سرکشان به سند رفته بود و در آنجا درگذشت فرمانروایان دکن و بینگاله و سند از او روی برگردان شده بودند.

خسرو دهلوی که در ادبیات به نام امیر خسرو معروفست پسر امیر سیف‌الدین دهلوی از ترکان ساکن دهلی بود. لاجپن پدر سیف‌الدین از ترکان ختا بود و در استیلای مغلو به هند گریخته و در دهلی ساکن شده بود. خسرو در ۶۵۱ در دهلی ولادت یافت. پدرش در دربار شمس‌الدین التمش پادشاه معروف ترقی کرده و به امیر سیف‌الدین محمود شمسی معروف شده بود و در ۶۵۸ درگذشت و خال خسرو تربیت او را به عهده گرفت و از آغاز جوانی جزو کار گزاران پادشاهان دهلی شد و از ترویج پنج تن از ایشان برخوردار شده است که نخستین ایشان معزالدین کیقباد (۶۸۶-۶۸۹) و آخرینشان سلطان محمدبن تغلق (۷۲۵-۷۵۲) و در همان سال جلوس این پادشاه در ربیع‌الاول ۷۲۵ در

دهلی درگذشت و وی را در بقعه نظام الدین اولیا عارف مشهور هند که مرشد وی بود به خاک سپردند. خسرو در ضمن آن که از امیرزادگان دربار هند بوده در میان متصوفه هند نیز شهرت و اعتبار بسیار داشته است و نظام الدین اولیا که در عصر چهارشنبه ۱۸ ربیع الاول ۷۲۵ در ۹۴ سالگی درگذشته از بزرگان مشایخ هند در زمان خود بوده و در میان مریدان متعدد خود به خسرو توجه خاصی داشته و وی را «ترک» خطاب می کرده است. درباره وی گفته است: روز قیامت از هر کس خواهند پرسید که چه آوردی؟ چون از من پرسند خواهم گفت: سوز سینه این ترک را آورده‌ام. الهی، مرا به سوز سینه این ترک ببخش. نیز گفته است:

گر برای ترک ترکم اره بر تارک نهند ترک تارک گیرم و اما نگیرم ترک ترک

نیز به او می گفته است: ای ترک، من از وجود خود به رنجم اما از تو نرنجم و می گفت: اگر در شرع شریف جایز می بود وصیت می کردم امیر خسرو را در قبر من دفن کنند تا هر دو در یک جا باشیم. در دم مرگ وی خسرو در دهلی نبود و با سلطان محمد به بنگاله رفته بود. نظام الدین اولیا گفت: امیر خسرو پس از من نخواهد زیست و چون از این جهان رفت پیکرش را در کنار من به خاک بسپارید که او صاحب اسرار من است و من بی او قدم به بهشت نهم.

چون خبر مرگ نظام الدین اولیا به امیر خسرو رسید دیوانه وار نعره ای زد و بی اختیار به سوی دهلی روان شد و چون به سر خاکش رسید گفت: سبحان الله! آفتاب در زیر زمین و خسرو زنده؟ این گفت و بی هوش شد و تا شش ماه در گریه و زاری بود تا از جهان رفت. خسرو با نصیرالدین چراغ دهلی که او نیز از بزرگان مشایخ هند بوده معاشرت داشته است. شکی نیست که خسرو دهلوی را باید بزرگترین شاعر فارسی زبان هند دانست و این که او را سعدی هندوستان گفته اند به جاست. در نظم و نثر فارسی کاملاً مسلط بوده و از استادان این فن به شمار می رود. در اقسام مختلف شعر مانند قصیده و غزل و مثنوی مهارت کامل داشته است. شاهکارهای او بیشتر غزلیات عارفانه است که الفاظ رقیق و معانی دقیق را با فکر تصوف آمیخته است. در نثر نیز چندین کتاب مهم از او مانده است.

دیوان غزلیات خود را به پنج کتاب تقسیم کرده است:

۱- تحفة الصغر شامل اشعار آغاز عمر.

۲- وسط الحیوة شامل اشعار اواسط عمر.

۳- غرة الکمال شامل اشعار اواخر عمر.

۴- بقیة نقیه شامل اشعار پیری.

۵- نهاية الکمال شامل اشعار پایان زندگی.

گذشته از آن خسته نظامی را استقبال کرده است بدین گونه:

۱- مطلع الانوار در برابر مخزن الاسرار که در ۶۹۸ تمام کرده است.

۲- شیرین و خسرو در برابر خسرو و شیرین اتمام در ۶۹۸.

۳- لیلی و مجنون که در همان سال ۶۹۸ به پایان رسانیده است.

۴- آئینه سکندری در برابر اسکندرنامه اتمام در ۶۹۹.

۵- هشت بهشت در برابر هفت پیکر اتمام در ۷۰۱.

از این که از ۶۹۸ تا ۷۰۱ در چهار سال خمسۀ خود شامل پنج مثنوی و هجده هزار بیت را به پایان رسانیده است که تا چه اندازه در شاعری قدرت طبع داشته است.

گذشته از این پنج مثنوی خسمه پنج مثنوی دیگر به شرح زیر سروده است:

۱- قرن السعدین بر وزن مخزن الاسرار در شرح ملاقات معزالدین کیقباد و برادرش ناصرالدین

بغراخان پادشاه بنگاله در ۶۸۸.

۲- مثنوی نه سپهر، بنه وزن مختلف.

۳- مثنوی مفتاح الفتوح به وزن خسرو و شیرین در شرح فتوح جلال الدین فیروزشاه از ۶۸۹ تا ۶۹۰.

۴- منظومۀ خضرخان و دولرانی یا عشقیه در شرح معاشقات خضرخان و معشوقه اش دولرانی

زن هندو که معاصر وی بوده اند.

۵- تغلق نامه در فتوح غیاث الدین تغلقشاه.

گذشته از این ۱۵ کتاب شامل اشعار که شاهکارهای فراوان در میان آنها هست سه کتاب به نثر از

او مانده است که به انشای بسیار فصیح و روان نوشته و از شاهکارهای نثر فارسی در این دوره است، بدین گونه:

۱- خزاین الفتوح در تاریخ سلطان علاءالدین محمد خلجی (۶۹۵-۷۱۵) که به نام تاریخ علایی نیز

معروف است و تقلیدیست از کتاب تاج المآثر تالیف حسن نظامی.

۲- رسایل الاعجاز یا اعجاز خسروی که کتاب بزرگیست شامل قواعد انشای زبان فارسی و در

این زمینه فواید بسیار دارد.

۳- افضل الفواید شامل ملفوظات نظام الدین اولیا.

خسرو از استادان مسلم سبک ناتورالیسم در شعر فاریست و نزدیک صد هزار شعر از او باقی

مانده است و به زبان هندی نیز شعر گفته و از نخستین کسانی است که بدین زبان شعر سروده اند. در

موسیقی نیز دست داشته و از موسیقی دانان زبردست زمان خود به شمار رفته است.